

اندروز

یا

حکمت عملی

در ادبیات پهلوی

باستاد فریدان ایران شناس اتحاد جماهیر شوروی

زبان رسنی ایران در عهد اشکانیان (۲۵۶ ق. م - ۲۲۶ م) و ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ م) پهلوی بوده (۱) و با آنکه در نتیجه حمله تازیان و ترکان و مغولان بسیاری از گنجینه‌های ادبیات پهلوی از میان رفته، باز صدها کتاب و رساله بزبان پهلوی از دستبرد حوادث مصون مانده و بدست ما رسیده است.

قسمتی از کتب پهلوی موجود از روی مدارک کتبی عهد ساسانی عیناً و یا با تصرف و جرح و تعدیل در سده های اسلامی استنساخ و اقتباس (۲) و بخش دیگر (۳) در آندوره اساساً تألیف شده است (۴)، چه زبان پهلوی تا قرن هفتم هجری در ایران کما بیش در میان موبدان و برخی از دافایان اسلامی رواج داشته است (۵).

- ۱ - منتهی با تغییر لفظ، بهین مناسبت پهلوی (اصطلاحاً پارسی میانه) را بدو قسمت: پهلوی شمالی (با اشکانی) و پهلوی جنوبی (ساسانی) تقسیم میکنند.
- ۲ - ایران در زمان ساسانیان تألیف گریستن ترجمه آقای باسی س ۳۰.
- ۳ - که اکثر ازین قبیلست.
- ۴ - مقاله (نن سیاست مدن و مملکتداری در ایران) بقلم استاد یوسف شعت در مجله روزگار نو ج ۴ ش ۱.
- ۵ - فخرالدین گرگانی (نرن پنجم) منظومه (ویس و رامین) و زرتشت بهرام بزدو (قرن هفتم) منظومه‌های (زرتشت نامه) و (ارداویراننامه) را از ماخذ پهلوی نقل کرده اند.

از جمله کتابها و رساله‌هایی که در اواخر عهد ساسانی و سده‌های اول اسلامی بزبان پهلوی تألیف شده، نوشته‌هایی است که بنام (اندرز) یا (پند نامک) خوانده میشوند و عموماً شامل دستور معاشرت، شیوه زندگی، رفتار زبردستان با زبردستان، پرهیزگاری و دینداری و بعبارت دیگر مبانی اخلاقی است و در حقیقت این رشته کتب را باید بمنزله (حکمت عملی) آن عهد درخشان تلقی کرد.

بسیاری از رساله‌ها بزرگان تاریخی: از شاهنشاهان (مانند انوشیروان) و وزیران (مانند بزرگمهر) و موبدان (مانند آذربید مارسپندان) منسوب است و برخی دیگر از آنها بطبقه‌ای از روحانیان (موبدان و دستوران) اسناد داده شده.

در رساله‌های مزبور بداد گسترگی و خریدیشگی و جوانمردی و رادی و راستی مکرر تأکید و توصیه شده و پیداست که منظور از تألیف این سلسله کتب قرائت بزرگان و فرمانروایان بهنگام فراغت و بعنوان تنهن نبوده، بلکه در حقیقت مفاد آنها مظهر و مجلای زندگانی عملی مردم آن عهد بوده است چه هر یک از پادشاهان ساسانی موظف بود که بهنگام جلوس بر سر بر شاهنشاهی خطبه‌ای ایراد^(۱) و در آن، روش خویش را در جهانداری تصریح کند و وظایف عمال دولت را در رفتار با مردم و معامله اصناف ملت باهم بار دیگر گوشزد نماید^(۲).

از بزرگان دوره ساسانی که باندرز نگاری نامبردارند: آذربید مارسپندان - زرتشت پسر همین آذربید - آذر پسر همین زرتشت - بخت آفرید - انوشیروان - بزرگ مهر - بهزاد فرخ فیروز و آذر فرنبغ می باشند.

در کتاب دینی پهلوی بنام (دینکرت - اعمال دین) چهار اندرز

۱ - وجوع شود: تاریخ طبری و شامنامه فردوسی (دو جلوس پادشاهان).

۲ - وجوع شود: مقاله سابق الذکر استاد شخت.

منسوب به: زرتشت. سائتا - آذرباد و انوشیروان و چند پند و حکمت
بنام جمشید ثبت شده است. (۱)

این نوع اندرزها در ادبیات اسلامی (تازی و پارسی) هر دو تأثیری
بسیار کرده و نمونه آنها در شاهنامه فردوسی، راجع الانسان، خمسة نظامی،
کلیله و دمنه، مرزبان نامه، گلستان سعدی و جز آنها فراوان دیده میشود.
درین مقاله برخی از این نوع رساله ها را مختصراً مورد بحث
قرار میدهم:

۱. اندرز انوشیروان (اندرز انوشیروان). اوشیروان در روایات
باستانی نام یکی از دانایان معاصر پادشاهان داستانی کیانی (و بقولی
وزیر کیسکارس) بوده است. اندرزهایی که درین رساله درج شده منسوب
به اوست - اصل آنرا در حدود ۲۰۰۰ کلمه پهلوی دانسته اند ولی دو ورق
از وسط آن مفقود شده و آنچه که در دست است تقریباً شامل ۱۴۰۰ کلمه
پهلوی میباشد. کربستن زمان تألیف آنرا بعد از عهد ساسانیان میدانند (۲)
ولی بدون شك از شهرت بسیار اوشیروان و ذکر فراوان او در کتب پهلوی مانند
(دادستان دینیک) و (روایات پهلوی) و (دینکرت جلد سیزدهم) پیداست
که بخشی از اندرزهای منسوب به او در عهد ساسانیان (و لا اقل در اواخر
آن عهد) زبانزد مردم بوده است. *علوم ایرانی و مطالعات فرهنگی*
متن این رساله را (ارود بهمن جی نویسنده و ناشر) در سال
۱۹۲۰ میلادی با مقدمه و شرح انگلیسی بچاپ رسانیده و آقای یاسمی آنرا
پارسی ترجمه کرده در مجله مهر سال دوم شماره های ۷-۸ و ۹ انتشار
داده اند.

۲. اندرز آقووبات مار سپندان (اندرز آذرباد پورمار سپند). آذرباد
پورمار سپند موبد بزرگ عهد ساسانی و معاصر شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ م)

۱ - مجله مهر سال دوم ش ۷ (اوشیروان) بقلم آقای یاسمی.
۲ - ایران در زمان ساسانیان ص ۳۰.

و مجدد آئین مزدیسناست که تدوین (خرده اوستا) را نیز بدو نسبت میدهند (۱) ولی تألیف این رساله هم پس از انقراض سلسله ساسانی صورت گرفته است (۲)؛ یکربع آن از میان رفته، و ست انگلیسی نسخه کامل آنرا شامل ۳۰۰۰ کلمه پهلوی دانسته است.

متن رساله توسط (شهریار جی دادابوی) با ترجمه گجراتی و نقل حروف آن بگجراتی و انگلیسی در سال ۱۸۶۹ در بمبئی بچاپ رسید و بار دیگر توسط (پشوتن سنجانا) در مجموعه (گنج شایگان) در بمبئی بسال ۱۸۸۵ طبع شد و دیگر بار در مجموعه (خدایار دستور شهریار ایرانی) با نقل بحروف اوستائی و ترجمه پارسی در بمبئی بسال ۱۸۹۹ منتشر گردید.

در آخر این اندرز فصلیست بنام (سیروزه کوچک) که شماره کلمات آنرا ۳۰۰ نوشته اند. این رساله با ضمیمه مزبور مجدداً در متون پهلوی (دستور جاماسب جی مینوچهر جی جاماسب اسانا) و توسط (انگلساریا) در بمبئی بسال ۱۹۱۳ بچاپ رسیده و آقای ملک الشعراء بهار اندرز و سیروزه کوچک را بنظم و تشریح پارسی ترجمه کرده در مجله مهر سال دوم شماره های ۴-۷ و ۸ انتشار داده اند.

۳- پند نامه زرتشت (پندنامه زرتشت) - چیتاک اندر ژ پوریوتکیشان (درباره اندرز دین آوران پیشین) - مراد از زرتشت پوریا پدر آذرباد ماسپند از موبدان دوره ساسانی است - این رساله شامل تقریباً ۱۴۳۰ کلمه پهلویست و تدوین آنها پس از انقراض عهد ساسانی صورت گرفته (۳) رساله مزبور را استاد (فریمان) منتشر نموده - محققان معاصر مانند انگلساریا پهلوی دان آنرا همان رساله (چیتاک اندرز پوریوتکیشان) میدانند (۴). و پوریوتکیشان لغت بمعنی دین آوران پیشین و مجازاً بمعنی صحابه پیامبر

۱ - خرده اوستا تألیف آقای پور داود ص ۲۸.

۲ - ایران در زمان ساسانیان ص ۳۰.

۳ - همان کتاب و همان صفحه ۴ - منون پهلوی انگلساریا ص ۱۸.

ایران وزرتشیان باستانست . منتخب این رساله در متون پهلوی (جاماسب اسانا) در بمبئی بچاپ رسیده . آقای ارودمانك كانگا ترجمه این رساله را بعنوان (چیتاك هندرژ پرریو تکیشان) در مجله ایران لیگك جلد ۱۳ و ۱۴ منتشر ساخته و آقای هانری کربن خاور شناس فرانسوی آنرا بفراتسه ترجمه کرده و اینك در یادنامه پورداد ، جلد دوم تحت طبع است .

۴- اندرژ خسرو کواتان (اندرز خسرو پورقباد) . منسوب بخسرو اول انوشیروان دادگر (۵۳۱-۵۷۹ م) است ولی تدرین آنهم پس از عهد ساسانی صورت گرفته (۱) و آن شامل تقریباً ۳۸۰ کلمه پهلویست . متن این رساله با ترجمه کجراتی و انگلیسی رنقل آن بحروف لاتینی توسط (پشتون سنجانا) در مجموعه (گنج شایگان) در بمبئی بسال ۱۸۸۵ طبع شده است .

اندرزهای مندرج درین ساله نظیر اندرهای رساله سابق الذکر (چیتاك اندرژ پور - یوتکیشان) است که نیز در ششمین کتاب پهلوی (دینکرت) بنقل از زرتشت پدرا آنوباد مار سپند ذکر شده و ازینجا چنین استنباط میشود که این اندرزا به منزله ارکان حکمت عملی آئین مزدیسنا بوده که توسط نویسندگان (اندرزاها) تقریر شده (۲) .

مضمون این رساله (اوامرو نواهی) است که از زبان انوشیروان بهنگام مرگ برای ملت ایراد شده . شاه مراد مرا توصیه میکند از گناه به پرهیزند ، بکارهای شایسته روی آورند ، ثروتهای دنیوی را خوارشوند ، بآنچه پس از مرگ پیش آید توجه کنند ، انسوی در بارگاه آسمانی ، داور دادگر فرمانرواست . انجا رشوه سردی ندارد .

منظومه ای پارس ، بنام « رساله لاسان » با پند قائم انوشیروان ، در دستست که رضاقلی هدایت در مجمع الفصحا (۳) نود و یک بیت آنرا با اسم

۱ - ایران در زمان ساسانیان ص ۳۰ .

۲ - متون پهلوی انکلساریا ص ۱۸ .

۳ - ۱۶ ص ۱۲۴ - ۱۷۵ .

(بدایعی بلخی) آورده ولی نام گوینده این منظومه مورد شکست.

نسخه‌ای ازین منظومه در منتخبات فارسی تالیف (شارل شفر) شامل ۴۰۹ بیت بنام «راحة الانسان» آمده و آقای نفیسی آنرا با مقدمه مختصری در مجله مهر سال دوم شماره های ۲ — ۳ انتشار داده‌اند ظاهراً بخشی از (اندرزهای خسرو کوانان) بدست ناظم این رساله افتاده آنرا بنظم در آورده است.

۵۰. پندنامهك (یا: اندرژ) وژرك متر بختگان - (پندنامه بزرگمهر فرزند بختک) - منسوب بزرگمهر که بنا بر روایات نویسندگان ایران و عرب وزیر دانشمند خسرو اول دانسته شده قصه هائی که باین شخص نسبت داده‌اند گویا بتقلید انسانه احیقر (Ahiqar) نوشته شده در قرون وسطی اسلامی محل توجه عام بوده است. کریستنن او را با احتمال قوی همان برزویه طیب میدانند که کلیله و دمنه را بامر انوشیروان از هندوستان به ایران آورد^(۱). ظاهراً این رساله در قرن نهم میلادی (دوم هجری) تدوین و تالیف شده است ولی نصایحیکه از زبان بزرگمهر نقل شده قسمتی مأخوذ از کلیله و دمنه است که برزویه آنرا از (پنجاهتترا) سانسکریت ترجمه کرده و بخش دیگر اقتباس از اندرزهای قدیم تراست.

رساله مزبور را که شامل ۱۷۶۰ کلمه پهلویست، (پشوتن سنجانا) در مجموعه (گنج شایگان) در بمبئی بسال ۱۸۸۵ بطبع رسانیده و نیز در ضمن متون پهلوی (انکلساریا) بنام ویادگار بزرگمهر، در بمبئی بسال ۱۹۱۳ انتشار یافته است - فردوسی قسمتی از اندرزهای بزرگمهر را در شاهنامه بنظم در آورده است.

۶۰. اندرژ و هزات فرخ پروژ (اندرز بهزاد فرخ پیروز) - منسوب بدانشمندی که ترجمه احوال و زمانش شناخته نیست - این رساله تقریباً دارای ۶۶۶ کلمه پهلویست - متن آن با ترجمه پارسی و نقل آن بحروف

۱ - ایران در زمان ساسانیان ص ۳۰ و نیز: رساله بزرگمهر حکیم تالیف کریستنن ترجمه آقای میکده در مجله مهر سال اول شماره های ۶ تا ۱۲.

اوستائی در مجموعه (خدا یار دستور شهر یار ایرانی) در بمبئی سال ۱۸۹۹
و بار دیگر در ضمن مجموعه رسائل پهلوی (جاماسب اسانا) بچاپ رسیده.

۷- اندرز پیشینگان (اندرز پیشینان) - شامل ۲۸۰ کلمه پهلویست
که در جزومتون جاماسب اسانا در بمبئی سال ۱۸۹۷ طبع شده .

۸- اندرز دستور بران ۱ و ۵ دینان (اندرز دستوران بیهدنان) -
شامل ۳۵ فقره و مشتمل بر مواعظی است از قول دستوران و موبدان
زرتشتی . این رساله نیز در ضمن متون پهلوی (جاماسب اسانا) در بمبئی
بچاپ رسیده.

۹- اندرز داناگان ۱ مزدیسنان (اندرز دانا یان بمزدستان) - این
رساله در جلد دوم از متون پهلوی (جاماسب اسانا) در بمبئی سال ۱۹۱۳
چاپ شده و شامل تقریباً ۷۰ سطر است که از وظایف و اعمال دینی روزانه
بحث میکند .

نمونه اندرزها

از اندرز آذربیدهار سپند:

پسرمن ! کرفه (۱) اندیش باش نه گناه اندیش، چه مردم تا ابد زیست
نکمند و چیزیکه بسنو و ایسته است (۲) از آن گیتی بایسته ترست .
از دزد مرد، چیزی مگیر و مده و ایشانرا ستوه کن .
خویشتن را به بندگی بکس مسپار .

از اندرز بهزاد فرخ پیروز:

آمده است که در توانائی خرد نیکست و تنم در کم مایگی خرد
پاسبان تراشت - اینجا برای یاری خرد خوبست و آنجا برای پشت و پناه
خرد پاسبان تراست.

۱ - نواب .

۲ - یعنی نوابهای اغروی .

کسیکه در راه دین میکوشد از آن بیشتر سزاوار ستودنت
که خردمندست .

از اندرز خسرو قبادان :

آئین و پیمان بکار دارید و بکار دین راد و راست و با رادان و
راستان هم سخن باشید .

بپهر خویش خرسند باشید و بهره دیگر کس مگیرید .

این هم گفته اند که هر کس را بیاید دانستن که از کجا آمده ام و
برای چه اینجا هستم و بکجا باید باز شوم و از من چه خواهند خواست ؟ (۱)

از پند های بزرگمهر در شاهنامه (۲) :

کسی را که مغزش بود باشتاب	فراوان سخن باشد و دیر اب
چو گفتار بیهوده بسیار گشت	سخن دوی در مردمان خوار گشت
هنر جوی و تیمار بیشی مخور	که گیتی سپنجست و ما بر گذر
اگر روز مسا پایدار آمدی	جهان را بسی خواستار آدی
بگیتی به از مردمی کار نیست	بدین با تو دانش بیسکار نیست
همه روشنی مردم از راستیست	زناری و کزی بیاید گریست .

از رساله راحة الانسان (۳) :

پای باندازه کلیم باید کشید .

از اندازه بر ترمنه پای خویش	خرد را ننگهدار بر جای خویش
چو برخیزی از خوابگه بامداد	بخود در نگر تا چیت آید بیاد
چو از پایگه پای بر تر نهی	شود نسام تو زشت در الهی
مرا پند داده است مرد حکیم	که پایت فرو تر مکش از کلیم .

۱ - رجوع شود : مجموعه پهلوئی (خدا یار دستور شهر بار ایرانی) . بهشی

سال ۱۸۹۹ .

۲ - شاهنامه چاپ بروخیم ج ۸ ص ۲۳۷۴ .

۳ - مجله مهر سال ۲ ، ش ۲ (راحة الانسان یا پند نامه انوشیروان) بقلم

آقای تلبی .